

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۱/۱۴

موضوع: «صله رحم» و «گره‌گشایی از کار مؤمنان»؛ دو اخلاق مهم علوی

برنامه اخلاق علوی

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

امشب ز اوج آسمان باران اختر می‌چکد

از انتهای کهکشان میلاد کوثر می‌چکد

از دست ساقی تا سحر جرعه ز ساغر می‌چکد

بر دل رسیده کیمیا از دیده‌ها زر می‌چکد

امشب شب مولودی دردانه زهرا بود

به نام حضرت حق. آقایان خانم‌ها شب‌تان بخیر، قبل از هر کلامی و هر سلامی ولادت باسعادت عقیده بنی هاشم

حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) را بر شما تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

جشن‌ها و شادی‌ها و لبخندهای شما بر شما مبارک و بر وجود قطب عالم امکان حضرت بقية الله الأعظم (روحی

و ارواحنا له الفداه) هم تبریک عرض می‌کنم؛ ان شاءالله که لحظات خوبی داشته باشید.

این برنامه «اخلاق علوی» هست و من مفتخر هستم در شبی که آقای «علی اسماعیلی» حضور ندارد و در بارگاه مقدس حضرت زینب (سلام الله علیها) هستند و قرار است برنامه‌هایی از آنجا به صورت مستقیم تقدیم حضورتان کنند در خدمت شما باشم.

امشب این افتخار نصیب من شد تا میزبان و در خدمت استاد عزیز و ارجمند حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی در استودیو باشم. استاد سلامم علیکم، شب شما بخیر. بهترین تبریک‌ها و تهنیت‌ها خدمت شما باشد:

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده برنامه ما هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند خالصانه‌ترین سلامم را تبریک می‌کنم.

میلاد خجسته عقيله بنی هاشم فرزند حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و زبان گویای امام حسین (علیه السلام) تبریک عرض می‌کنم.

این بانوی بزرگ حق بزرگی بر گردن همه ما و مسلمانان دارد و اگر فداکاری‌ها، بزرگواری‌ها و تلاش‌های این خانم بزرگوار نبود معلوم نبود که اسلام چه سرنوشتی پیدا می‌کرد.

خدا را قسم می‌دهم به آبروی این بانوی بزرگ فرج مولای ما، سرور ما، تاج سر ما، نور چشم ما، ولی نعمت ما حضرت بقية الله الأعظم را نزدیک کند و همه ما را از یاران خاص و از سربازان فداکار و جان به کف آن بزرگوار قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم به آبروی این بانوی بزرگ حوائج همه ما و شما گرامیان را برآورده کند، دغدغه‌های فکری و ذهنی همه ما را برطرف سازد، دعا‌های ما را به اجابت برساند؛ ان شاء الله.

## مجری:

ان شاء الله؛ خیلی ممنونم. به شما بینندگان عزیز و ارجمند فارسی زبانانی که زبان فارسی را متوجه می‌شوید و با ما همراه هستید هم تبریک عرض می‌کنم.

امیدوارم این دقایقی که در خدمت شما هستیم تا ساعت ۲۰ به وقت تهران بتوانیم گپ و گفت شبانه صمیمی و مفیدی داشته باشیم و نکاتی را از اخلاق علوی یاد بگیریم و در زندگی‌هایمان عملی کنیم.

برای اینکه بیشتر با موضوع آشنا شویم و کسانی هم که هفته‌های گذشته برنامه را ندیدند نمای کلی از بحث داشته باشند، از استاد خواهش می‌کنم خلاصه‌ای از موضوعات گذشته برای ما مطرح بفرمایید تا ان شاء الله سؤالات جدید و بحث نو را خدمت شما عرض کنم.

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر

ما در جلسه گذشته مطالبی را از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) مولای متقیان، امام منصوب از قبل الله و خلیفه منصوب از طرف رسول گرامی اسلام و شخصیت مورد قبول شیعه و سنی و مورد عشق و عنایت غیر مسلمانان منصف مطالبی را بیان کردیم.

بحث ما به آنجا رسید که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند:

«عُنْوَانُ صِحْفَةِ الْمُؤْمِنِ حُسْنُ خُلُقِهِ»

سرلوحه نامه اعمال هر انسانی اخلاق خوب است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۸،

ص ۳۹۲، ح ۵۹

همچنین فرمودند:

«مَنْ حَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ طَابَتْ عِشْرَتُهُ»

هرکسی اخلاق خوبی دارد، زندگی شادابی دارد.

غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید

مهدی، ص ۵۹۹، ح ۵۰۸

زندگی باصفا در گرو اخلاق باصفا است. زندگی باصفا و صمیمیت و گوارا در سایه‌سار اخلاق زیباست. اگر چنانچه بهشت و جهنم مورد توجه ما نباشد و ثواب و عقاب خدا هم ما را حرکت ندهد زبیده است که ما زیبایی‌های اخلاق را آویزه گوشمان قرار بدهیم و اخلاق فاضله را الگوی خودمان قرار بدهیم.

به فرموده امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ما باید در زندگی اجتماعی، فردی و خانوادگی خودمان را مزین به فضایل اخلاقی کنیم.

امیرالمؤمنین فرمودند: اخلاق خوب به انسان‌هایی که در جامعه مورد توجه نیستند جایگاه رفیعی می‌دهند، اما اخلاق زشت انسان‌هایی که بلند مرتبه هستند را در جامعه ذلیل و خوار و بی‌ارزش قرار می‌دهد. ما به آنجا رسیدیم که حضرت فرمودند:

«مَا مِنْ شَيْءٍ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ»

فردای قیامت عملی به اندازه اخلاق خوب میزان حسنات ما را سنگین نمی‌کند.

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج ۱۲، ص ۱۵۲، ح ۱۵۹۲۳

روزی که اعمال ما سنجیده می‌شود و اعمال خوب ما در یک کفه و اعمال بد ما در کفه دیگر قرار می‌گیرد و قانون اساسی عدل الهی؛

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ)

پس هر کس به سنگینی یک ذره عمل خیری کرده باشد آن را می‌بیند و هر کس به سنگینی یک ذره عمل شری کرده باشد آن را خواهد دید.

سوره زلزلة (۹۹): آیات ۷ و ۸

میزان حکم و قضاوت هست، در آن عرصه و وقت سنجیدن اعمال خوب و بد بهترین عملی که اعمال خوب ما و کفه حسنات ما را سنگین می‌کند، اخلاق خوب ماست.

اگر در دنیا اخلاق خوب داشتیم، در روز قیامت کفه حسنات ما سنگین است. همچنین اگر چنانچه کسی در دنیا خود را به اخلاق خوش مزین نکرد، کفه حسناتش سبک و کفه سیئاتش سنگین است.

کسی که در دنیا اخلاق خوبی ندارد روز قیامت بعد از محاکمه نامه عمل او را به دست چپ او می‌دهند. کسانی که نامه عمل آن‌ها به دست چپشان داده شد، راهی جز پیمودن مسیر جهنم و آتش دوزخ ندارند.

همچنین اگر قسمت حسنات پرونده اعمال ما سنگین شد؛

(فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُ أَكْتُبِهِ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيهِ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ)

اما کسی که نامه عملش را به دست راستش داده باشند از خوشحالی فریاد می‌زند بیایید نامه‌ام را بخوانید که به سعادت حکم می‌کند. من در دنیا یقین داشتم که روزی حسابم را می‌بینم. پس او در عیشی است که از آن خشنود است.

سوره حاقه (۶۹): آیات ۱۹ - ۲۱

زمانی که پرونده افرادی به دست راست آن‌ها آمد دیگر نشانه‌های خوشبختی و سعادت برای آنان رقم می‌خورد. ما در جلسه گذشته روایتی خواندیم که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند: اخلاق خوب بر سه محور است و این مثلث مقدس است که نشانگر اخلاق خوب در یک انسان است.

«حُسْنُ الْخُلُقِ فِي ثَلَاثِ اجْتِنَابِ الْمَخَارِمِ وَ طَلَبِ الْحَلَالِ وَ التَّوَشُّعِ عَلَى الْعِيَالِ»

اخلاق خوب در سه چیز است؛ اجتناب از گناه کردن، کسب روزی حلال و توسعه عیال.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۸،

ص ۳۹۴، ح ۶۳

این سه ویژگی نشانگر اخلاق خوب در انسان است؛ ویژگی اول این است که انسان از گناه اجتناب کند، ویژگی دوم این است که انسان تلاش کند روزی حلال به دست بیاورد، ویژگی سوم اینکه نسبت به خانواده و عیال توسعه بدهد و سخت‌گیری نکند.

معنای ویژگی سوم این است که هرچه خداوند عالم به او وسعت می‌دهد، او برای خانواده‌اش وسعت بدهد.

روایتی از نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله)، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و ائمه طاهرين (عليهم السلام) نقل شده است که وقتی خداوند عالم به شما روزی خوبی داد و گشایش در کارتان ایجاد شد آثار او در زندگیتان نمایان باشد.

وقتی افرادی که تاجر هستند سود خوبی به دست آوردند و افرادی که کارمند و کارگر هستند تشویقی از مدیر مسئول دریافت کردند خوب است که نشانه‌های آن گشایش در زندگی و همسر و فرزندان آن‌ها مشاهده شود. زمانی که سود یا تشویقی به دست آوردید، به جهت اینکه شاکر این نعمت الهی باشید و روزی‌های بیشتری نصیبتان شود نسبت به همسر و فرزندان توسعه بدهید و برای آن‌ها هم غذا و لباسی بهتر نسبت به زندگی عادی فراهم کنید. خداوند متعال می‌فرماید:

**(لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ)**

اگر سپاسگزاری کنید، حتماً افزونتان دهم.

**سوره ابراهیم (۱۴): آیه ۷**

همچنین می‌توانید موقع رفتن به منزل شیرینی، گل یا غذایی بخرید و به خانواده بگویید خداوند عالم به من عنایتی کرد، نعمتی به من رسید و من خواستم نشانه این نعمت خوب و عنایت الهی را شما مشاهده کنید. لذا امیرالمؤمنین می‌فرمایند: یکی از نشانه‌های اخلاق خوب توسعه دادن و گشاده رویی و گشاده مصرف کردن در زندگی شخصی با اهل و عیال است.

ما در جلسه گذشته روایتی از امیرالمؤمنین بیان کردیم که حضرت فرمودند:

**«إِنَّ مِنْ مَّكَارِمِ الْأَخْلَاقِ أَنْ تَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ»**

یکی از نشانه‌های خوش اخلاق بودن این است که رابطه خود را با کسی که رابطه خود را با تو قطع کرده است قطع نکنید.

غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید

مهدی، ص ۲۳۲، ج ۱۶۷

یکی از نشانه‌های اخلاق خوب این است که اگر کسی با شما قطع رابطه می‌کند، شما بلافاصله با او آشتی کنید.

حضرت در وصیت خود به امام حسن مجتبی (علیه السلام) می‌فرمایند: مبادا زمانی که با کسی قطع رابطه کردید به قدری طول بدهید که او جلو بیفتد و با شما آشتی کند.

ان‌شاءالله ما در رابطه با قضای حوائج از مؤمنین به طور مفصل صحبت خواهیم کرد که بسیار مهم است.

یکی از توصیه‌های بسیار مهم امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) این است که به شیعیان و مسلمانان و انسان‌ها توصیه می‌کنند برای رفع گرفتاری دیگران قدم بردارند، برای رسیدن دیگران به آرزوها و آرمان‌های خودشان قدم بردارند و گرفتاری آن‌ها را برطرف کنند.

امیرالمؤمنین سفارش می‌کنند که به دیگران در زندگی کمک و مساعدت کنید. حضرت و فرزندان بزرگوارشان خود در این زمینه پیشتاز بودند. ان‌شاءالله اگر فرصتی باقی ماند، امشب در این رابطه صحبت خواهیم کرد.

چنین نباشید که اگر از کسی پولی قرض خواستید و او قرض نداد در پی تلافی کردن از او باشید. چنین نباشید که اگر از کسی مالی طلب کردید و او به شما قرض نداد، منتظر باشید تا روزی او هم از شما مالی را طلب کند و شما به او ندهید. این اخلاق علوی نیست!!

«إِنَّ مِنْ مَّكَارِمِ الْأَخْلَاقِ أَنْ تَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ وَ تُعْطِيَ مَنْ حَرَمَكَ وَ تَغْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَكَ»

غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید

مهدی، ص ۲۳۲، ج ۱۶۷



اگر چنانچه از کسی کمک خواستید، اما به شما کمک نکرد و شما را تنها گذاشت تمام تلاش خود را به کار بگیرید تا اگر این شخص روزی از شما کمک خواست با آغوش باز و سعه صدر به او کمک کنی. به جای اینکه با کمک نکردن تلافی کنید، با کمک کردن او را شرمنده کنید.

اگر از کسی چیزی خواستید و به شما نداد، وقتی که آمد و از شما چیزی طلب کرد از او تشکر کنید که آمده است و به او بگویید که وظیفه دارید به او کمک کنید. در چنین مواردی به هیچ وجه به طرف مقابل دروغ نگویید و او را شماتت نکنید.

اگر به کسی کمک کردید به او یادآوری نکنید که روزی به او مراجعه کردید و او به شما کمک نکرد، با اخلاق بد با شما برخورد کرد و از هرگونه مساعدت خودداری کرد. این اخلاق علوی نیست!!

گذشته‌ها را فراموش کنید. یکی از عنایات خداوند متعال این است که مردم برای کمک به انسان مراجعه کنند و انسان به دیگران کمک کند.

یکی از اقسام تفضلات الهی این است که بندگانی به ما مراجعه کنند و در رحمت الهی را به روی ما بگشایند. ما با کمک کردن به دیگران در مسائل مالی، معنوی، دینی، اخروی، ظاهری، باطنی و خانوادگی به آن‌ها کمک کنیم. ما با کمک کردن به بالاترین مرتبه مکارم اخلاق می‌رسیم. حضرت در ادامه می‌فرمایند:

«تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ»

اگر کسی در حق شما ظلم و استبداد و جفا کرد به این فکر نباشید که روزی هم جبران کنید و در پی تلافی کردن باشید. این اخلاق علوی نیست!!

اخلاق علوی این است که وقتی کسی به شما ظلم و جفا می‌کند، نه تنها ظلم و جفای او را تلافی نکنید؛ بلکه از او بگذرید و به او خوبی کنید.

مشاهده کنید «عبدالرحمن بن ملجم مرادی» أشقى الآخرين به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در مسجد هنگام نماز خواندن ضربه می‌زند. امیرالمؤمنین در مقابل دستور می‌دهند همانند غذایی که برایشان آوردند برای قاتلشان هم ببرند.

حضرت نمی‌فرمایند که این شخص جنایتکار است و به او غذا ندهید، بلکه دستور می‌دهند همانند غذای خودشان به قاتلشان هم بدهند.

حضرت به امام حسن مجتبی (علیه السلام) وصیت می‌کنند: این شخص به من یک ضربه زده است؛ اگر چنانچه من از این جنایت نجات پیدا کنم شایسته هستم که او را ببخشم.

آیا بزرگواری بالاتر از این امکان دارد؟! اصلاً ما کاری به اینکه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) حجت الهی است و امام منصوب و منتخب از طرف مردم است نداریم، بلکه تنها به چشم یک شهروند که چنین ظلمی در حقشان شده به آن بزرگوار نگاه می‌کنیم.

حضرت می‌فرمایند: اگر من عافیت پیدا کردم او را خواهم بخشید. اگر از دنیا رفتم یا او را ببخشید و یا اگر خواستید او را قصاص کنید تنها یک ضربه به او بزنید؛ مبادا دو ضربه به او بزنید.

اخلاق امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) چنین است. اگر بنده کینه کسانی که در حق من بدی کردند را در قلب خود نگاه دارم، به مرور قلب من به انبار کینه مؤمنین تبدیل خواهد شد.

در این صورت به هیچ وجه دعایی که از انبار کینه مؤمنین بیرون بیاید به اجابت نخواهد رسید. همچنین حضور قلبی که در نماز ایجاد می‌شود تا ما بتوانیم به واسطه آن در ملکوت پرواز کنیم نخواهد آمد، زیرا کینه‌های قلبی نمی‌گذارد روح و قلب ما به پرواز دربیاید.

بنابراین به تعبیر مرحوم «شهید ثانی» نمازی که حضور قلب در آن نباشد، قساوت قلب خواهد آورد.

دوستان عزیز قطعاً گاهی اوقات برایتان اتفاق افتاده است بعد از اینکه نماز می‌خوانید به جای اینکه احساس خوشی، صفا و نورانیت داشته باشید احساس خستگی به شما دست می‌دهد.

زمانی که نماز را شروع می‌کنیم دائماً عجله داریم که زودتر رکعت چهارم را بخوانیم و نماز را سلام بدهیم و برویم. این موارد همگی نشانگر این است که قلب سالم نیست و مملو از بغض و کینه و غیبت و افترا و گناهان دیگر است.

بنابراین باید تلاش کنیم در رابطه با کسانی که در حق ما ظلم و جفا می‌کنند ببخش و رحمت داشته باشیم.

### مجری:

استاد خیلی دوست داریم که امشب راجع به صله رحم و جنبه اجتماعی اخلاق علوی که تأثیرات مثبتی می‌تواند در زندگی داشته باشد هم بتوانیم صحبت کنیم.

راجع به حب و بغض فرمودید نمازی که با قلبی آکنده از بغض و کینه خوانده شود بالا نمی‌رود، اما ما شنیده‌ایم که فرموده‌اند و گفته‌اند که دین جز حب و بغض نیست!!

شما از یک طرف می‌فرمایید که نباید در دل بغضی باشد، اما از طرف دیگر روایتی وجود دارد که می‌فرماید: "دین جز حب و بغض نیست"؛ چطور می‌توان مسئله را حل کرد؟!

**چگونه تعریف دین به حب و بغض با لزوم زدودن بغض و کینه‌ها قابل جمع است؟!**

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

زمانی که تمام کارهای خودمان را با نگاه علوی تنظیم کردیم، این دنیای صد ساله را آخرین آمال و پایان کار خودمان قرار ندادیم؛ بلکه پایان عمرمان را آغاز زندگی قرار دادیم نگاه ما متفاوت خواهد شد. پایان عمر، پایان زندگی نیست؛ بلکه آغاز زندگی جدیدی است!!

زمانی که امام سجاد (علیه السلام) در قبرستان مشغول تشییع جنازه بودند و میت را دفن کردند، حضرت به افرادی که در آنجا حاضر بودند فرمودند: این قبر یا باغی از باغ‌های بهشتی است و یا حفره‌ای از حفرات جهنم است.

به عبارت دیگر، زندگی نوینی بعد از مرگ برای ما ایجاد می‌شود. حال قبر و برزخ ما که در حقیقت برزخی میان زندگی دنیوی و زندگی اخروی بعد از قیامت ماست، مرهون ۸۰ سال عمر دنیوی ماست.

اگر ما در دنیا تمام کارهای خود را با اخلاق علوی که نمونه بارز اخلاق الهی، اخلاق انبیاء و اخلاق قرآنی است تنظیم کردیم؛ آغاز زندگی برزخی ما زندگی باصفایی است. در این صورت اصلاً نمی‌توانیم زندگی برزخی را با زندگی دنیایی عوض کنیم.

در چنین حالتی ما اصلاً نمی‌توانیم حتی یک لحظه از زندگی باصفای برزخی را با عمر اول تا آخر دنیا عوض کنیم.

اگر خداوند متعال به انسان سلطنت بدهد، این سلطنت بر تمام کره زمین از اول خلقت تا آخر خلقت لذت زیادی دارد. یک ثانیه صفای عالم برزخ نسبت به سلطنت تمام کره زمین از اول خلقت دنیا تا قیامت میلیاردها برابر ارزش دارد.

اگر ما چنین نگاهی به زندگی داشته باشیم، قطعاً تمامی این مسائل حل خواهد شد. این در حالی است که ما تمام زندگی‌ها را با محوریت ۸۰ تا ۱۰۰ سال عمر دنیوی ملاک قرار می‌دهیم.

زمانی که چنین دیدی نسبت به زندگی داریم، با خود می‌گوییم ما که قرار است ۸۰ سال در دنیا زندگی کنیم چرا بدی‌هایی که به من شده را جبران نکنیم!؟

به عنوان مثال اگر کسی به ما سلام نکرد یا اگر سلام کردیم آهسته جواب داد، ما هم تلاش می‌کنیم سلام او را در دل پاسخ بدهیم و یا اصلاً پاسخ ندهیم. مشاهده کنید تمام مشکلات زندگی ما باید با این محوریت تنظیم شود که این دنیای ۸۰ ساله ما مقدمه آخرت است.

### «و الدّنيا مزرعة الآخرة»

منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، نویسنده: هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله، مترجم: حسن زاده آملی،

حسن و کمرهای، محمد باقر، ج ۱۹، ص ۸۶، باب المعنی

به تعبیر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دنیا به منزله پلی است که انسان را به باغی پر از صفا و زیبایی و یا پر از عذاب و گرفتاری سوق می‌دهد.

در روایتی که مرحوم «عیاشی» در کتاب «تفسیر» و مرحوم «میرزا نوری» در «المستدرک» ج ۱۵ صفحه ۲۵۴ دارد نقل کرده است: میان «عبدالله بن حسن» و امام صادق (علیه السلام) گفتگویی صورت گرفت و صدایشان بالا گرفت.

امام صادق (علیه السلام) صدایشان بلند شد و «عبدالله بن حسن» هم صدای خود را بر روی حجت الهی بالا برد. راوی می‌گوید: آن شب ما به منزل رفتیم و صبح که داشتم بیرون می‌رفتم، مشاهده کردم که امام صادق (علیه السلام) در خانه «عبدالله بن حسن» را زد.

### «قُولِي يَا جَارِيَةُ لِأَبِي مُحَمَّدٍ هَذَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع بِالْبَابِ»

امام صادق (علیه السلام) فرمود: ای کنیز به پسرعمویم بگو که امام صادق جلوی منزلت ایستاده است.

### «فَخَرَجَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ وَ هُوَ يَقُولُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا بَكَرَ بِكَ»

عبدالله بن حسن خارج شد و گفت: ای ابا عبدالله ابتدای صبح برای چه به در خانه من آمدی؟

مشاهده کنید که اخلاق علوی چنین است. ما باید ببینیم که آیا ما چنین هستیم یا نه؟! اگر با کسی دعوا می‌کنیم، بعد از دعوا چنین کاری می‌کنیم یا خلاف این عمل می‌کنیم؟!!

«قَالَ إِنِّي مَرَزْتُ الْبَارِحَةَ بِآيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَأَقْلَقْتَنِي»

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: دیشب در حال قرآن خواندن به آیه‌ای برخورد کردم که مرا نگران و تحریک کرد.

«قَالَ وَ مَا هِيَ»

عبدالله بن حسن گفت: کدام آیه؟!!

«قَالَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ (وَ الَّذِينَ يَصْلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوَصَّلَ وَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ)»

امام فرمودند خداوند متعال می‌فرماید: و کسانی که آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده پیوسته می‌دارند، و از خدای خویش می‌ترسند، و از بدی حساب بیم دارند.

به عبارت دیگر محور زندگی موقت دنیوی حساب‌های اخروی است. به عنوان مثال کسی قصد دارد برای یک هفته به مسافرت برود. او وسایل مورد نیاز برای یک هفته مسافرت از قبیل لباس، خوراکی، ماشین و دیگر مقدمات را فراهم می‌کند تا در مسافرت راحت باشد.

دوستان عزیز ما هم در دنیا مسافری بیش نیستیم و اصل وطن ما در آخرت است. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ وَ الْآخِرَةُ دَارٌ مُسْتَقَرٌّ فَحُذُوا مِنْ دَارِ مَمَرِكُمْ لِمُسْتَقَرِّكُمْ»

دنیا عبورگاه و آخرت قرارگاه است، از زندگی موقت و عبورگاه برای زندگی جاوید ذخیره فراهم کنید.

عیون الحکم و المواعظ، نویسنده: لیثی واسطی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسنی بیرجندی،

حسین، ص ۱۷۷، ج ۳۶۳۹

امام صادق (علیه السلام) قرآن ناطق هستند، اما به جهت اینکه تلنگری به ذهن «عبدالله بن حسن» بزند این آیه شریفه را بیان فرمودند. همچنین افرادی که در آنجا حضور داشتند کار امام صادق (علیه السلام) را مشاهده کردند.

امام صادق (علیه السلام) می‌خواهند اخلاق علوی را به افراد حاضر در آنجا نشان بدهند. امام می‌خواهند با این روایت به ما که بعد از ۱۴۰۰ سال این روایت را مرور می‌کنیم تلنگر بزند که اگر کسی با شما بد رفتاری کرد، منتظر عذرخواهی نمانید.

همچنین اگر کسی برای عذرخواهی آمد مبدا عذرخواهی او را نپذیرید، زیرا این اخلاق قرآنی نیست. امام صادق (علیه السلام) می‌خواهند با این عمل خود بعد از ۱۴۰۰ سال به ما درس بدهند که اخلاق علوی و خدایی چنین ویژگی‌هایی دارد.

اگر کسی در حق شما بدی کرد، مبدا اجازه بدهید او در آشتی کردن سبقت بگیرد. بعد از خواندن این آیه شریفه؛ نقل شده است که:

«قَالَ فَاعْتَنَّا وَ بَكِيَا جَمِيعاً»

عبدالله بن حسن دست در گردن امام صادق انداخت و شروع به گریه کردند.

«ثُمَّ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ كَأَنِّي لَمْ أَقْرَأْ هَذِهِ الْآيَةَ»

سپس عبدالله بن حسن گفت: من تا به حال اصلاً این آیه را مرور نکرده بودم.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح: مؤسسة

آل البيت عليهم السلام، ج ۱۵، ص ۲۵۴، ح ۱۸۱۵۴

دوستان عزیز مشاهده کنید که بحث اخلاق علوی اصلاً گفتن نیست. چه بسا گاهی اوقات با شما بد رفتاری می‌کند، توهین می‌کند، ناسزا می‌گوید و یا علیه شما اقداماتی انجام می‌دهد اگر شما کینه او را به دل گرفتگی شما هم همانند او هستید.

همان‌طور که ما در جلسه گذشته بیان کردیم که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند:

«لَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ فَتَكُونَ مِثْلَهُ»

در حق کسی که در حق شما خیانت کرده خیانت نکنید، زیرا در این صورت همانند او خواهید شد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۱،

ص ۱۰۴، ح ۶۳

این شخص خائن هست و شما هم که در برابر او خیانت کردید خائن هستید. در این صورت هنر نکردید، زیرا هنر این است که اگر او خیانت کرد شما خیانت نکنید، اگر او جفا کرد از شما وفا ببیند، اگر او بدی کرد از شما خوبی ببیند.

این هنر نیست که ما تنها به کسانی که به ما خوبی می‌کنند خوبی کنیم. این هنر نیست، زیرا اگر در حق یک حیوان هم خوبی کنیم برمی‌گردد و به نوعی تشکر می‌کند.

بدی را بدی سهل باشد جزا

اگر مردی احسن الی من اسا



مردانگی این است که انسان در حق کسی که از او بدی می‌بیند خوبی کند. در رابطه با صله رحم امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند:

«صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ بِالذُّنْيَا بِالسَّلَامِ»

در دنیا به وسیله سلام کردن صله رحم کنید.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح: مؤسسه

آل البيت عليهم السلام، ج ۱۵، ص ۲۵۵، ح ۱۸۱۵۵

کوچک‌ترین راه صله رحم سلام کردن است. شما می‌توانید به دیدار پدر، مادر، خواهر، برادر، پسرعمو، دخترعمو، پسرخاله و دخترخاله بروید و تنها یک سلام کنید. الحمدلله در حال حاضر سلام کردن راحت شده است و با یک پیامک می‌توانید احوال همدیگر را پرسید.

شما می‌توانید به برادر و خواهر خود پیام بدهید یا تماس بگیرید و احوال آنان را پرسید. در این صورت خواهید دید که آن‌ها چقدر خوشحال می‌شوند. همان‌طور که اگر آن‌ها تماس بگیرند یا پیامک بدهند شما خوشحال می‌شوید آن‌ها هم خوشحال خواهند شد.

دوستان عزیز کسانی که از امروز می‌خواهند اخلاق علوی را در زندگی خود پیاده کنند تصمیم بگیرند هر روز که از خواب بلند می‌شوند در یک دفترچه بنویسند: "امروز من به پنج نفر از بستگان خودم پیامک بدهم و با آن‌ها سلام و احوالپرسی کنم."

همچنین فردا به پنج نفر دیگر پیام بدهم و وقتی هفته به آخر رسید از اول شروع کنم. اخلاق علوی چنین است!! ما تا آخر هفته می‌توانیم به این طریق به تمام بستگان پیامک بدهیم و با همین یک پیامک دل او را خوشحال کنیم.

نزد خداوند عالم هیچ عملی بالاتر از خوشحال کردن دل یک مؤمن مخصوصاً ارحام ارزشمند نیست. در روایت وارد شده است اگر می‌خواهید به نیازمندان کمک کنید اگر این کمک کردن به ارحام باشد، چندین برابر احسانی که می‌خواهید به بیگانه کمک کنید ارزشمند است.

### مجری:

استاد اگر طرف مقابل پا پس کشید چکار کنیم؟! به عنوان مثال ما دائماً می‌خواهیم اخلاق علوی داشته باشیم و به دیدن ارحام رفتیم، اما خدای نکرده از او بداخلاقی دیدیم چکار کنیم!؟

### صله ارحام؛ بایدها و آسیبها

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اخلاق علوی بر این است که اگر طرف مقابل چنین کاری انجام داد، ما چند روز بعد دومرتبه به دیدن او برویم. ما کاری به او نداریم و تنها به وظیفه خود عمل کردیم.

«عبدالرحمن بن ملجم» بر سر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ضربه زده است، اما حضرت می‌فرمایند: اگر من عافیت پیدا کنم او را خواهم بخشید.

این در حالی است که «عبدالرحمن بن ملجم» از کار خود پشیمان نیست و ادعا می‌کند که زهری بر شمشیرم زدم که اگر بر جمیع خلائق می‌زدم، همگی هلاک می‌شدند. این شخص نه تنها توبه نکرده است، بلکه حضرت را شماتت هم می‌کند!!

زمانی که «عبدالرحمن بن ملجم» با حضرت زینب (سلام الله علیها) مواجه می‌شوند، آن بزرگوار را شماتت می‌کند و می‌گوید: کاری کرده‌ام که علی بن ابی طالب دیگر از این زخم نجات پیدا نکند.

حال اگر ما در مقابل او بودیم در مقابل شماتت او چندین مشت و لگد و آب دهن هم به طرف او پرتاب می‌کردیم!!

با این وجود امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرمایند: "اگر بنده از بستر بیماری برخاستم او را می‌بخشم. غذایی همانند غذایی که برای من می‌آورید برای «عبدالرحمن بن ملجم» هم ببرید، مبادا کمتر از غذای من برای او ببرید."

به عنوان مثال اگر پدرم از دست من ناراحت است به دیدار او بروم و دست او را ببوسم، اگر بی توجهی کرد صورت او را ببوسم و اگر باز هم بی توجهی کرد خم شوم و پای او را ببوسم.

اگر مادری که یک عمر برای من زحمت کشیده، نه ماه مرا در رحم خود نگاه داشته و دو سال با تمام وجود از من مراقبت کرده است و وقتی صدای گریه‌ام بلند می‌شد بند دلش پاره می‌شد از دست من ناراحت است هیچ اشکالی ندارد که خم شوم و پای او را ببوسم.

مگر حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نفرمودند:

«الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ»

بهشت زیر پای مادران است.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح: مؤسسة

آل البيت عليهم السلام، ج ۱۵، ص ۱۸۰، ح ۱۷۹۳۳

روزی فرزندی از مادر خود سؤال کرد: آیا درست است که می‌گویند بهشت زیر پای مادران است؟! مادر گفت: بله پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه طاهرين (عليهم السلام) فرمودند که بهشت زیر پای مادران است.

فرزند پرسید: پس چرا پای خود را روی زمین می‌گذاری؟! مادر گفت: پای خود را روی زمین می‌گذارم تا تو را بغل کنم!!

«دکتر نیکنام» نقل می‌کردند: روزی خانمی کفش نو و زیبایی پوشیده بود که متوجه شد دختر خانمی مدام به کفش او نگاه می‌کند. خانم گفت: دختر خانم آیا از کفش من خوشش آمده است؟! دختر گفت: بله، خیلی خوب است.

خانم گفت: این کفش را برادرم به من هدیه داده است. دوست داری که تو هم چنین کفشی داشته باشی؟! دختر گفت: نه، دوست دارم که به جای برادرت بوم که چنین کفشی به تو هدیه بدهم و تو را خوشحال کنم.

دوستان عزیز دقت کنید که اگر چنین رفتاری داشته باشیم اخلاق علوی داریم، اما اگر به دنبال این باشیم که بدی افراد را با بدی پاسخ بدهیم هیچ سودی ندارد. البته بنده به پدرها و مادرها توصیه می‌کنم که امام سجاد (علیه السلام) فرمودند:

« اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ... مِنْ مُسِيءٍ أَعْتَذَرَ إِلَيْهِ فَلَمْ أُعْذِرْهُ »

خدایا من از تو استغفار می‌کنم که اگر کسی از من عذرخواهی کرد، اما من عذر او را نپذیرم.

الصحيحه السجادية؛ دعا رقم ۳۸ (وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِعْتِذَارِ مِنْ تَبِعَاتِ الْعِبَادِ)

نپذیرفتن عذر کسی که در حق ما بدی کرده است کم‌گناهی نیست. ما نباید انسانی کینه‌ای باشیم و قلب خود را مملو از کینه کنیم. نه تنها فرزندان، برادر و خواهر ماست؛ بلکه شخصی بیگانه است که در حق ما بدی کرده و حال برای عذرخواهی آمده است.

اگر بنده عذرخواهی این شخص را نپذیرم، دال بر این است که من از اخلاق علوی بویی نبرده‌ام و نشانه‌ای از اخلاق علوی ندارم. بنابراین دوستان عزیز ما باید تلاش کنیم که در تمام زندگی خود اخلاق علوی را پیاده کنیم.

حال بنده سیره علوی را در برخورد با خانواده، برخورد با جامعه و برخورد با افراد دیگر برای عزیزان بیننده عرض خواهم کرد تا مشاهده کنید امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نسبت به رفع گرفتاری افراد جامعه عنایت داشتند و به این قضیه اهمیت می دادند.

راوی می گوید: روزی دیدم امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شلاقی به دست گرفته است و در بازار کوفه می چرخد.

«فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِهَذِهِ السَّاعَةِ»

گفتم: یا امیرالمؤمنین در این ساعت در بازار چکار می کنید؟!

«قَالَ مَا خَرَجْتُ إِلَّا لِأَعْيُنِ مَظْلُومًا أَوْ أُغِيثَ مَأْهُوْفًا»

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند: آمدم ببینم تا مظلوم و گرفتاری هست که گرفتاری او را برطرف کنم، یا نه.

دوستان عزیزی که در داخل و خارج از کشور هستید اخلاق علوی این است!! فرقی نمی کند شخص گرفتار شیعه باشد، سنی باشد یا وهابی باشد. والله اگر چند روز به شخص وهابی خدمت و احترام کنی به مذهب تو خوش بین خواهد شد.

«لأن الإنسان عبید الإحسان»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۱،

ص ۱۱۷، ح ۷۸

زمانی که به او گفتیم اخلاق علوی چنین است و امیرالمؤمنین چنین است، او کنجکاو می شود تا ببیند اخلاق علوی چگونه می شود و همین مسئله باعث هدایت فرد وهابی خواهد شد.

اگر شخصی مسیحی در همسایگی شماست، هنگامی که غذا پختید تلاش کنید مقداری از این غذا هم برای او ببرید. اگر میوه خریدید سعی کنید مقداری از این میوه داخل پاکت بگذارید و به او بدهید. اخلاق علوی این است!!

راوی این روایت «سعید بن قیس همدانی» است که می‌گوید: دیدم امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در هوای گرم و سوزان در کوچه‌ها و خیابان‌های کوفه قدم می‌زند. به ایشان گفتم: برای چه این ساعت به بازار آمده‌اید؟! حضرت گفت: به جهت اینکه مظلوم و بیچاره‌ای بینم و به او کمک کنم.

جلوتر رفتیم و مشاهده کردیم که خانمی سراسیمه و هراسان ایستاده و اشک از چشمانش سرازیر است. حضرت جلو رفتند و گفتند: خانم چرا این قدر ناراحت هستید؟!

زن گفت: در منزل کمی در برابر شوهرم زبان درازی کردم و او مرا از خانه بیرون کرده است و قسم خورده که مرا مجازات کند و به همین خاطر من از ترس شوهرم از خانه فرار کردم.

حضرت آن زن را تا در خانه‌اش آوردند، در زدند و مشاهده کردند که مردی در را باز کرد، حضرت را نشناخت و با حالت تکبر به ایشان گفت: چکار داری؟!

«فَقَالَ عِ اتَّقِ اللَّهَ فَقَدْ أَخَفْتُ زَوْجَتَكَ»

حضرت فرمودند: از خدا بترس، چرا همسرت را ترساندی؟!

«فَقَالَ وَ مَا أَنْتَ وَ ذَاكَ وَ اللَّهُ لَأُخْرِقَنَّهَا بِالنَّارِ لِكَلَامِكَ»

مرد گفت: به تو چه مربوط است؟! حال به خاطر وساطت تو او را در آتش می‌سوزانم.

در این زمان امیرالمؤمنین که شلاق در دست داشتند و شمشیر در کمرشان بود، شلاق و شمشیر را درآوردند و فرمودند: چه گفتی؟!

در این میان یکی از همسایه‌ها از شنیدن سروصدا بیرون آمد و رو به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) عرض کرد: السلام عليك يا اميرالمؤمنين يا ابا الحسن!!

«قَالَ فَأَسِقَطَ فِي يَدِهِ الشَّابُّ وَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اغْفُ عَنِّي عَفَا اللَّهُ عَنْكَ وَاللَّهِ لَأَكُونَنَّ أَرْضًا تَطْوِي»

مرد به دست و پای حضرت افتاد و گفت: ای امیرالمؤمنین مرا ببخش، من شما را شناختم. به خدا قسم به احترام تو روی زمین می‌خوابم و به همسر می‌گویم پایش را روی چشمانم بگذارد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۰، ص ۱۱۳، ح ۱۱۷

حضرت آیه ۱۱۴ سوره نساء را قرائت کردند و فرمودند:

(لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ)

در بیشتر سخنان بیخ گوش‌شان هیچ چیزی نیست، مگر آنکه سفارش به صدقه دادنی یا نیکویی کردنی یا اصلاحی بین مردم باشد.

سوره نساء (۴): آیه ۱۱۴

در روایت وارد شده است هیچ عملی به اندازه اصلاح ذات البین نزد خداوند عالم ثواب ندارد. برادر عزیزم و خواهر گرامیم! اگر می‌بینید دخترت با دامادت اختلاف دارد به جای اینکه آتش اختلاف را شعله‌ور کنید، آن را خاموش کنید.

حب و بغض دخترتان نباید باعث این شود که شما جلوی دیگران حرف‌های تندی به داماد خود بزنید و سبب شبی همان نیم بند زندگی هم متلاشی شود.

همچنین مادر شوهر نباید از پسر خود طرفداری کند و زندگی او را بدتر کند. حال اگر عروس او به او سلام نکرده است، غذا فراهم نکرده و کاری که مورد میل مادر شوهر بوده انجام نداده است.

خواهر عزیزم اگر با این بد رفتاری موجب شدی که زندگی دختر یا پسر متلاشی شد و اختلاف آن‌ها را بیشتر کردی والله فردای قیامت گرفتار خواهی شد و خداوند متعال به این سادگی از اعمال تو نخواهد گذشت.

شاید این گناه از آن قبیل گناهانی باشد که امام صادق (علیه السلام) از پدرش امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل می‌کند: چه بسا بنده‌ای یک گناه مرتکب می‌شود که فردای قیامت خداوند به خاطر آن گناه او را صد سال در آتش جهنم عذاب می‌کند.

این عذاب یک طرف، اما روایت ذیلی دارد که درد آن خیلی بالاتر است.

«إِنَّ الْعَبْدَ لَيُحْبَسُ عَلَى ذَنْبٍ مِنْ ذُنُوبِهِ مِائَةَ عَامٍ وَإِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى أَزْوَاجِهِ فِي الْجَنَّةِ يَتَنَعَّمَنَّ»

گاهی اوقات بنده به خاطر یک گناه صد سال در آتش جهنم عذاب می‌شود درحالی‌که می‌بیند اهل و عیال او در بهشت متنعم هستند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۲۷۲، ح ۱۹

این زن مشاهده می‌کند که همه خانواده او در بهشت غرق در نعمت هستند، اما به جهت اینکه او زندگی دختر و دامادش را به هم زده است خدا او را صد سال در آتش جهنم نگاه می‌دارد.



عذاب و آتش جهنم یک طرف، اما اینکه مشاهده می‌کند خانواده او در آسایش و راحتی در بهشت هستند دردی بالاتر از عذاب شدن دارد.

همچنین مادر شوهر به خاطر اختلاف ایجاد کردن میان پسر و عروسش صد سال در آتش جهنم گرفتار شده است، اما از طرف دیگر مشاهده می‌کند همین پسر و عروسش در بهشت در آسایش هستند.

عزیزان بیننده به این روایات و فرمایشات دقت کنید؛ اخلاق علوی تنها به گفتار نیست. اخلاق علوی در یک جمله پا گذاشتن روی هوای نفس است. خداوند متعال می‌فرماید:

**(وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فِإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ)**

و اما کسی که از موقعیت پروردگارش ترسیده و از هوای نفس جلوگیری کرده بهشت جایگاه او است.

**سوره نازعات (۷۹): آیات ۴۰ و ۴۱**

هرکسی پا روی هوای نفس خود گذاشت، علی‌وار زندگی کرد، علی‌وار سخن گفت، علی‌وار با همسر و فرزندان و جامعه برخورد کرد، علی‌وار نماز خواند، علی‌وار حقوق الهی و حقوق مردم را ادا کرد بهشت جایگاه اوست.

**(أَ رَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَ فَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا)**

آیا کسی را که هوس خویش را خدای خویش گرفته ندیدی؟ مگر تو کارگذار او هستی؟

**سوره فرقان (۲۵): آیه ۴۳**

همچنین در مقابل کسی مطابق هوای نفس عمل کند؛ اگر نفس به او بگوید غیبت کن اطاعت کند، اگر نفس به او بگوید دروغ بگو اطاعت کند، اگر نفس به او بگوید اختلاف ایجاد کند اطاعت کند مشخص است که چنین فردی غیر از گرفتاری چیز دیگری ندارد.

اگر سؤال پیامکی از عزیزان بیننده به دست ما رسیده است بفرمایید تا پاسخ بدهیم.

### مجری:

چشم؛ اگر اجازه بدهید چشمی بچرخانیم و سری به اتاق فرمان بزیم تا استاد حسینی قزوینی نفسی تازه کنند برمی‌گردیم و در خدمت شما هستیم.

بینندگان عزیز، آقایان و خانمها، دوست‌داران اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) یک بار دیگر ولادت باصفای عقیده بنی هاشم حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) را خدمت شما تبریک عرض می‌کنم.

سری به اتاق فرمان بزیم، باز می‌گردیم و دست بر سینه در محضر شما هستیم.

انشاءالله شبتان بخیر باشد. مردم عزیز و هموطنان محترم در داخل و خارج از کشور برایتان بهترین‌ها را آرزو می‌کنم. در شب جمعه برنامه «اخلاق علوی» را تقدیم حضور شما می‌کنیم و تا ساعت ۲۰ در کنارتان هستیم.

ما گزاره‌ها و آموزه‌هایی از اخلاق حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) یاد می‌گیریم و ان شاءالله هدفمان این است که این اخلاق را در زندگی فردی و اجتماعی خود عملی کنیم. آیت الله دکتر حسینی قزوینی عزیز در استودیو همراه ما هستند.

استاد! گزاره‌ها و روایاتی را مطرح کردید که گاهی اوقات افرادی با تعبیر اسلام رحمانی این مسائل را مطرح می‌کنند و می‌گویند: ما همیشه با جنبه نرم دین برخورد و گفتگو کنیم و با این سبک و سیاق اسلام را پیش ببریم و حتی از آئین خود دفاع کنیم. شاعر می‌گوید:

عیب می‌جمله بگفتی هنرش نیز بگوی

من می‌خواهم ببینم آیا می‌توان روی غضب اخلاق علوی هم تأکید کرد؟! آیا گاهی اوقات لازم است که ما اصلاً عصبانی شویم؟! چه زمانی عصبانی شویم اخلاق علوی محسوب می‌شود که اگر در آنجا عصبانی نشویم از اخلاق علوی تنازل کردیم!؟

### جایگاه «غضب» در اخلاق علوی!

#### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این مسائل مقداری نیاز به آموزش و بصیرت دارد تا ببینیم اصلاً به طور کلی اخلاق علوی یا اخلاق الهی در همه حال تسلیم شدن در برابر ظلم است؟! آیا هرچه در جامعه ظلم و استبداد دیدیم چشم پوشی کنیم؟! هرکسی در حق ما بدی کرد چیزی نگوییم!؟

یکی از بزرگان می‌گوید: فرق میان اسلام و مسیحیت این است؛ مسیحیت تحریف شده معتقد است که حضرت مسیح گفته است اگر کسی به یک طرف صورت سیلی زد، طرف دیگر صورت را هم در اختیار او قرار بده تا به این طرف هم سیلی بزند.

این جمله در کتاب «انجیل متی» بخش پنجم آیه ۳۹ وارد شده است. همچنین وارد شده است که اگر کسی عبايت را دزدید، قبايت را هم تقدیم کن. البته ما معتقدیم که این مطالب در انجیل امروز هست، اما انجیل تحریف شده است!!

تفاوت میان آئین مسیحیت و آئین اسلام که می‌فرماید:

**فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ**

پس هر کس بر شما ستم کرد شما هم به همان اندازه که بر شما ستم روا داشتند بر آنان ستم کنید.

سوره بقره (۲): آیه ۱۹۴

خداوند متعال می‌فرماید: اگر کسی در حق شما تعدی کرد، زیر بار ظلم و ستم رفتن خود به نوعی ستم کردن بر خویش است. شعار امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا این بود: "مرگ در برابر استبداد افتخار است و زندگی زیر بار ذلت ننگ است."

بنابراین در عبارتی که از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل کردیم از کتاب «بحارالانوار» بود که این مطلب به طور مفصل در آنجا وارد شده است.

حضرت زمانی که مشاهده کردند طرف مقابل پرخاشگری و تندی می‌کند و قصد دارد استبداد کند و می‌گوید: "به خاطر اینکه تو وساطت کردی، این زن را در آتش می‌سوزانم"، حضرت شلاق و شمشیر درمی‌آورند. حضرت در مقابل تندی این مرد واکنش متقابل نشان دادند و قصد داشتند که او را مجازات کنند.

همچنان که مشاهده کردیم در جامعه ما چندین نفر شهید راه امر به معروف و نهی از منکر شدند. این شهید زمانی که مشاهده کرد دخترخانمی یا زن محترمه‌ای در حال عبور است که اراذل و اوباش مزاحم او شدند، در برابر او می‌ایستد.

کار به جایی می‌رسد که اراذل و اوباش چاقو می‌کشند و شروع به اذیت و آزار می‌کنند، حتی چند مورد هم اتفاق افتاده که عامل امر به معروف و نهی از منکر شهید شده است.

اخلاق علوی در این‌طور موارد حمایت از مظلوم است. معنای اخلاق علوی این است مادامی که بحث برادری و صفاست ما با صفا برخورد می‌کنیم، اما اگر احساس کنیم دیگری از اخلاق علوی ما سوء استفاده می‌کند ما هم واکنش متقابل نشان خواهیم داد.

خداوند آقای «فلسفی» را بیمارزد؛ بنده اولین جلسه‌ای که با تعدادی از اساتید و طلبه‌های حوزه خدمت ایشان رسیدیم، ایشان روایتی را مطرح می‌کردند و بسیار هم روی آن مانور می‌دادند. در این روایت وارد شده است:

«اِخْدُمُ اَخَاكَ فَاِنْ اِسْتُخْدَمَكَ فَلَا»

در مسائل برادری برادر باش، اما اگر طرف مقابل از تو بهره‌کشی می‌کند این کار را مکن.

وَ لَا كِرَامَةَ قَالَ وَ قِيلَ اِعْرِفْ لِمَنْ لَا يَعْرِفُ لِي فَقَالَ وَ لَا كِرَامَةَ قَالَ وَ لَا كِرَامَتَيْنِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۱،

ص ۱۷۸، ح ۲۰

مضمون روایت چنین است که در مسائل برادری برادر باش، اما اگر مشاهده کردی که طرف مقابل قصد دارد از تو بهره‌کشی کند، از اخلاق علوی تو سوء استفاده می‌کند، می‌خواهد استبداد کند و حق تو را ضایع کند به خواسته‌های او عمل نکن.

دوستان عزیز ما در این زمینه احتیاج به آموزش و بصیرت داریم. همچنان که ما در ابتدای دعای افتتاح می‌خوانیم:

«وَ اَيَقْنْتُ اَنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ»

خدایا یقین کردم که تو ارحم الراحمین هستی در جایی که جای رحمت و مغفرت است.

«وَ اَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النِّكَالِ وَ النُّقْمَةِ»

و شدیدترین عذاب کننده هستی نسبت به بندگان که سرپیچی می‌کنند.

تهذیب الأحكام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۳،

ص ۱۰۸، ح ۳۸

اخلاق الهی در اخلاق امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) متبلور شده است. ما باید تلاش کنیم که همین عبارت را برای خودمان الگو قرار بدهیم. گمان می‌کنم دوستان بیننده ما با دعای افتتاح آشنا هستند.

بنابراین خداوند متعال در قرآن کریم در مورد رحمت خود می‌فرماید:

**(تَبَّعَ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ)**

بندگان مرا خبر ده که بدرستی من از آمرزگار مهربانم.

سوره حجر (۱۵): آیه ۴۹

و:

**(قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا)**

بگو ای بندگانم که بر نفس خود ستم و اسراف کردید از رحمت خدا نومید مشوید که خدا تمامی گناهان را می‌آمرزد.

سوره زمر (۳۹): آیه ۵۳

همین خداوند مهربان و بخشنده در مواجهه با ستمگران چنان است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

**(قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ)**

بگو من از این می‌ترسم که اگر در این مأموریت عصیان بورزم به عذاب روزی بزرگ مبتلا شوم.

سوره انعام (۶): آیه ۱۵

مشاهده کنید که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) چنین خوفی از عذاب الهی دارند.

همچنین روایتی از «أم سلمه» یا «عایشه» وارد شده است که می‌گوید: شبی که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در منزل بود از خواب بلند شدم و مشاهده کردم که پیغمبر اکرم در بستر نیستند. ابتدا تصور کردم که رسول اکرم به منزل یکی دیگر از همسران خود رفتند و به همین جهت ناراحت شدم، اما اندکی بعد متوجه شدم صدایی از پشت بام می‌آید.

زمانی که به پشت بام رفتم، مشاهده کردم که رسول گرامی صورت به خاک چسبانند و همانند مادری که تنها جوان خود را از دست داده باشد گریه و ناله می‌کنند و همانند مار گزیده به خود می‌پیچد و می‌فرماید:

«أَوْ أَنْ لَا يَنْزِعَ مِنْكَ ضَالِحًا أَغْطَاكَ أَبَدًا»

خدایا نعمت‌های خوبی که به من دادی را از من نگیر.

«وَأَنْ لَا يَكْلِكَ إِلَيَّ نَفْسِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا»

خدایا مرا به اندازه یک چشم به هم زدن به خودم وامگذار.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۱۶،

ص ۲۱۸، ح ۶

راوی می‌گوید: من هم منقلب شدم و گوشه‌ای گریه می‌کردم تا اینکه مناجات پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تمام شد. من جلو آمدم و عرض کردم: شما که ضجه و ناله می‌کنید، ما چکار کنیم؟!

جایی که عقاب پر بریزد

از پشه لاغری چه خیزد

پیغمبر اکرم فرمودند: ای ام سلمه! خداوند عالم برادرم یونس نبی را یک لحظه به خودش واگذار کرد و او سر از شکم ماهی درآورد.

جالب این است که در مورد حضرت یونس وارد شده است که اگر او در شکم ماهی نمی‌گفت:

**(لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)**

پروردگارا! خدایی جز تو نیست، تسبیح تو گویم که من از ستمگران بودم.

**سوره انبیاء (۲۱): آیه ۸۷**

تا قیام قیامت در شکم ماهی گرفتار عذاب و شکنجه می‌شد. اگر غیر از این بود محکومیت حضرت یونس تا قیامت باقی بوده است، اما خداوند متعال به خاطر استغفار حضرت یونس را نجات دادند.

**مجری:**

بنابراین در خداوند متعال هم جنبه رحمانی وجود دارد که ما می‌گوییم اخلاق علوی هم نمود کامل و بارزی از اخلاق الهی است. اصلاً عین همان است و همان بخش غضب اوست.

استاد! اگر اجازه بدهید داستانی که برای دوست من اتفاق افتاده است را برایتان بگویم و راهکاری از زبان شما بخواهم.

ایشان می‌گفتند: "من روایتی را دیدم که اگر برادر مؤمنتان به شما مراجعه کند، از شما طلب حاجتی کند و شما تمام توان خود را برای رفع حاجت او به کار نیندید به خدا و رسولش و مؤمنان خیانت کردید.



بعد از اینکه این روایت را دیدم زمانی بوده که خودم نیازمند بودم، اما به دلیل اینکه گفتم نکند در آن بازی و وادی بیفتم که نباید بیفتم این کار را کردم تا جایی که زندگی مقداری برایم سخت شده است. آیا باید به این فرد بشارت نیکو بدهیم، یا بگوییم بعضی جاها می‌توان طوری کنار آمد؟! "

## گره‌گشایی از کار مؤمنان و پیامدهای ترک آن

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

روایتی که بیان کردید امام صادق (علیه السلام) از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل کردند که در کتاب «کافی» جلد ۲ صفحه ۳۶۷ بیان شده است.

در این روایت «فرات بن أحنف» از امام صادق (علیه السلام) و ایشان از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل می‌کند:

«أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَخْتِاجُ إِلَيْهِ»

اگر مؤمنی گرفتار است و حاجتی دارد که به شخصی مراجعه کرد.

«وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ»

این شخص توانایی برطرف کردن حاجت او را دارد، اما انجام نمی‌دهد.

«أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا وَجْهَهُ»

فردای قیامت خداوند او را روسیاه محشور می‌کند.

«مُزْرَقَةً عَيْنَاهُ مَغْلُولَةً يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ»

چشمان او از فرط ناراحتی از حدقه بیرون می‌آید درحالی‌که دستانش با زنجیر به گردنش قفل شده است.

«فَيَقَالُ هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»

ندا می‌آید: این همان شخصی است که به خداوند و رسول او خیانت کرده است.

«ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ»

سپس دستور می‌دهند که او را به طرف آتش جهنم بفرستند.

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۳۶۷، ح ۱

من از جناب آقای صوری تشکر می‌کنم که این روایت را مطرح کردند. ان شاءالله ما این روایات را در جلسات بعدی خواهیم خواند. این روایت، روایت بسیار تکان دهنده‌ای است که به طوری که بدن انسان به لرزه درمی‌آید.

ما بسیار سهل انگار هستیم؛ گاهی اوقات محتاجی به ما مراجعه می‌کند که بیمار شده است و به دکتر مراجعه کرده است. دکتر می‌خواهد برای او دارو بنویسد، اما توانایی پرداخت آن را ندارد.

همچنین شخص دیگری خرج یک سال خود را هم نمی‌تواند تأمین کند. شخص دیگری در تأمین هزینه برق و یا خورد و خوراک خود مشکل دارد و یا فرزند شخص دیگری مشکل دارد و به کسی که فرماندار، استاندار یا قاضی است مراجعه می‌کند.

اگر افرادی که دیگران از او کمک می‌خواهند بتوانند مشکل این شخص را انجام دهد، اما او را کمک نکند به چنین عقوبتی گرفتار خواهد شد و در آن هیچ شک و شبهه‌ای نیست. اسلام به هیچ وجه شوخی ندارد!!

از طرف دیگر روایتی از امام صادق (علیه السلام) از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و آن بزرگوار از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل کردند:

«مَنْ أَعَانَ مُؤْمِنًا نَفْسَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ ثَلَاثًا وَ سَبْعِينَ كَرْبَةً وَاحِدَةً فِي الدُّنْيَا»

هرکسی مؤمنی را کمک کند خداوند عزوجل برای یک بار کمک هفتاد و سه گرفتاری از او در دنیا برطرف می‌کند.

«وَ ثِنْتَيْنِ وَ سَبْعِينَ كَرْبَةً عِنْدَ كَرِبِهِ الْعُظْمَى قَالَ حَيْثُ يَتَشَاغَلُ النَّاسُ بِأَنْفُسِهِمْ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۱۹۹، ح ۲

اگر شما یک قدم بردارید خداوند متعال هفتاد و سه قدم برمی‌دارد. یکی از گرفتاری‌هایی که خداوند عالم از او برطرف می‌کند، این است که در روزی که زن مرضعه از شدت ترس فرزند خود را رها می‌کند و فرار می‌کند خداوند عالم دست این شخص را می‌گیرد.

خداوند عالم در روز قیامت به این بنده می‌فرماید: بنده من در دنیا به بنده نیازمندم کمک کردی و به همین خاطر من امروز به تو کمک می‌کنم.

حال روایاتی در زمینه کمک کردن به دیگران زیاد وجود دارد که ان شاءالله در فرصتی مناسب بیان خواهم کرد.

**مجری:**

استاد فکر می‌کنم سرّ دیگری که در این کار هست این است که اگر شما کار نیک و خیری برای خدا انجام بدهید، خداوند به نسبت یک به ده پاسخ می‌دهد، اما اگر برای بنده خدا انجام بدهید خداوند به نسبت یک به هفتاد و سه پاسخ می‌دهد.

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

حال که بحث به اینجا کشیده شد اجازه بدهید روایت دیگری که در کتاب «کافی» جلد ۲ صفحه ۱۹۴ نوشته شده بیان کنم، زیرا روایت بسیار عجیبی است. «أبان بن تغلب» از امام صادق (علیه السلام) و ایشان از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل می‌کنند:

«مَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعاً كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ سِتَّةَ آلَافِ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ دَرَجَةٍ»

هرکسی هفت بار و یا یک هفته خانه خدا را طواف کند خداوند عالم شش هزار حسنه برای او می‌نویسد، شش هزار گناه از او برطرف می‌کند و شش هزار درجه به او می‌دهد.

«وَ قِضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ طَوَافٍ وَ طَوَافٍ حَتَّى عَدَّ عَشْرًا»

اگر کسی حاجت مؤمنی را برآورده کند خداوند عالم ده برابر این مقدار به او پاداش می‌دهد.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۱۹۴، ح ۶

به عبارت دیگر خداوند عالم برای کسی که حاجت مؤمنی را برآورده کند شصت هزار حسنه می‌نویسد، شصت هزار گناه از نامه اعمال او پاک می‌کند و شصت هزار مرتبه درجه او را بالا می‌برد.

عده‌ای می‌گویند: "عبادت به جز خدمت به خلق نیست"؛ اگر خدمت به خلق در مسیر الله باشد، اما منحصر کردن اشتباه است. حال اگر کسی بگوید: "من نماز نمی‌خوانم و به جای آن به مؤمنی کمک می‌کنم"؛ اشتباه است.

اگر یک رکعت نماز را ترک کنید، اما ثواب صد و بیست و چهار هزار پیغمبر هم در نامه عمل شما باشد باز هم نجات پیدا نمی‌کنید؛ زیرا واجبات شوخی بردار نیست. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در «نهج البلاغه» می‌فرمایند:

«أَهْلُ النَّارِ حِينَ سُئِلُوا- مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَك مِنَ الْمُضَلِّينَ»

زمانی که از اهل جهنم سؤال می‌شود چه عملی باعث شد به جهنم آمدید؟ می‌گویید: ما نماز نخواندیم به همین خاطر به جهنم آمدیم.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۱۶، ح

۲۸۵۳

واجبات شوخی بردار نیست؛ زیارت امام حسین (علیه السلام) ثواب هفتاد هزار حج دارد و زیارت امام رضا (علیه السلام) ثواب یک میلیون حج دارد، اما تمام این زیارات حج مستحبی است.

اگر شما تمام عمر کنار قبر امام حسین (علیه السلام) بیتوته کنید و کنار قبر امام رضا (علیه السلام) باشید و اصلاً از ابتدا تا انتهای عمر از حرم امام رضا (علیه السلام) بیرون نیایید، اما حج واجب خود را انجام ندهید فردا به دین نصرانیت یا مجوسیت یا یهودیت از دنیا می‌روید.

لحظه آخر اگر می‌خواهید به دین یهودیت بمیرید، اگر می‌خواهید به دین مسیحی بمیرید یا اگر می‌خواهید به دین مجوسی بمیرید؛ اما نمی‌توانید به دین اسلام از دنیا بروید، زیرا حج واجب خود را ترک کردید.

بعضی از وهابیان کوردل زمانی که این روایات را می‌بینند شروع می‌کنند علیه شیعه جوسازی می‌کنند. دوستان عزیز بدانید این ثواب‌هایی که ما می‌گوییم متعلق به کسانی است که به واجبات عمل می‌کنند و از محرمات اجتناب می‌کنند.

به عبارت دیگر افرادی که داخل خط عمل به واجبات هستند به این ثوابها نائل می‌آیند، اما این ثوابها شامل کسانی که خارج از خط هستند نخواهد شد.

بنابراین ما باید تلاش کنیم در کنار اینکه اخلاقمان را به اخلاق علوی نزدیک می‌کنیم به واجبات الهی عمل کنیم. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواندند.

احتیاج نیست ما همانند امیرالمؤمنین هزار رکعت نماز بخوانیم، بلکه همین سه رکعت نماز مغرب، چهار رکعت نماز عشاء، دو رکعت نماز صبح، هشت رکعت نماز ظهر و عصر برای ما کافی است.

لازم نیست ما شبها هزار رکعت نماز بخوانیم، اما سعی کنیم هفده رکعت نماز را ترک نکنیم و اول وقت بخوانیم.

چنین نباشد که اصلاً به نماز اهمیت ندهم و با مسجد و مهر آشنایی نداشته باشم، اما انتظار داشته باشم فردای قیامت امام حسین (علیه السلام) من را شفاعت کند.

### مجری:

بسیار خوب، خیلی از شما ممنون و متشکرم. مردم عزیز، بینندگان محترم و دوستان همراه شب شما بخیر باشد.

استاد پنج دقیقه تا انتهای برنامه فرصت باقیست. بحث دوست داشتنی و شیرین رفع حوائج مؤمنان است و تعایش و نمود اجتماعی اخلاق علوی را دنبال می‌کنیم. امیدوارم فرصتی باقی باشد تا در هفته‌های بعد هم مفصل راجع به این موضوع بحث شود.

چند دقیقه آخر در اختیار شماست؛ اگر نکاتی هست به صورت مستقیم با بینندگان بفرمایید تا در خدمت شما باشیم.

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

حال که بحث به اینجا رسید باید بگوییم یکی از صفات اخلاق علوی کمک کردن به دیگران و دستگیری از دیگران است.

دوستان ما گفتیم این پاداش‌ها به هیچ وجه جای واجبات را نخواهد گرفت، اما چه بسا بعضی از کارهای خوب باعث می‌شود که خداوند عالم راه نجات را برای ما باز کند.

یک مرتبه انسان مؤمنی به ما مراجعه می‌کند که مشکلی دارد و ما مشکل او را برطرف می‌کنیم، گرفتاری او را حل می‌کنیم و به او کمک می‌کنیم. همین کار سبب می‌شود که خداوند عالم راه نجات را برای ما فراهم کند.

اگر دل این شخص شکست و از صمیم قلب برای کسی که به او کمک کرده دعا کرد سبب می‌شود که کمک کرده با خداوند متعال آشتی کند و اهل نماز، روزه، حج، زکات و خمس شود. دقت کنید این مسائل را اندک نشمارید.

امام صادق (علیه السلام) روایتی از جد بزرگوارشان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل کردند که حضرت می‌فرمایند:

«مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ طَلَبَ وَجْهَ اللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ»

اگر کسی به خاطر رضای خدا برای رفع مشکل برادر مسلمان خود قدم بردارد خداوند یک میلیون حسنه برای او می‌نویسد.

اگر ما مشکل برادر دینی خود را حل می‌کنیم و حاجت او را برآورده می‌کنیم باید برای خدا باشد، نه برای اینکه توجه شخصی را به خود جلب کنیم و یا فردا نزد دیگران افتخار کنیم.

تعداد حسنات که خداوند در برابر اعمال خیر به ما می‌دهد بستگی به نیت انسان و اهمیت حاجت ما دارد.

یک مرتبه کسی برای مشکل مالی به ما مراجعه می‌کند و ما مشکل او را برطرف می‌کنیم، اما زمانی ممکن است شخص بیماری را از منزل به بیمارستان برسانیم و تمام کارهای او را هم انجام دهیم، به عیادت او می‌رویم، او را ترخیص می‌کنیم و مخارج را پرداخت می‌کنیم.

فعل این شخص با فعل کسی که مستمندی را از در خانه دست خالی رد نکرده است متفاوت است. بنابراین اگر مشاهده می‌کنیم درجات پاداش‌ها بالا و بالاتر می‌رود به جهت این است که نیت‌ها و درجه اهمیت مشکلات متفاوت است.

«يُعْفِرُ فِيهَا لِأَقْرَبِهِ وَ جِيرَانِهِ وَ إِخْوَانِهِ وَ مَعَارِفِهِ وَ مَنْ صَنَعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفاً فِي الدُّنْيَا»

خداوند عالم به جهت احسانی که می‌کنید رحمت خود را بر خودتان و اهل و عیالتان و برادرانتان و همسایگانتان در دنیا نازل می‌کند.

«فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ قِيلَ لَهُ ادْخُلِ النَّارَ فَمَنْ وُجِدْتَهُ فِيهَا صَنَعَ إِلَيْكَ مَعْرُوفاً فِي الدُّنْيَا فَأَخْرَجَهُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا أَنْ يَكُونَ نَاصِباً»

فردای قیامت خداوند متعال به این شخص می‌فرماید: تو در دنیا به بنده من کمک کردی. به همین خاطر در میان جهنمیان هرکسی که به تو خوبی کرده است و او را می‌شناسی دست او را بگیر و از آتش جهنم به سوی بهشت ببر.

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۱۹۷، ج ۶

مجری:



به به، خیلی متشکرم. انسان در اینجا می‌فهمد و با دل و جان کلام امام کاظم (علیه السلام) را احساس می‌کند که فرمودند:

### «إِنَّ حَدِيثَنَا يَخِي الْقُلُوبَ»

کلام ما دل‌ها را زنده می‌کند.

الخصال، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۲۲، ح ۷۶

استاد قزوینی عزیز از شما ممنونم، خدا جزای خیر به شما عنایت کند. امشب در شب میلاد باصفای حضرت زینب (سلام الله علیها) دل و جانمان را با روایت‌های نورانی که خواندید صیقل و صفا دادید و ان شاء الله اخلاق کریمانه اهل بیت (علیهم السلام) و علوی را یاد بگیریم.

باید تلاش کنیم همانند امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) باشیم و قبل از آنکه در منزل ما را بزنند برویم و بگردیم و ببینیم نیازمندی هست تا دست او را بگیریم و او را یاری کنیم.

استاد از شما ممنونم و می‌خواهم در آخر برنامه چند دعای زیبا از زبان شما داشته باشیم و التماس دعا.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

امشب، شب میلاد عقیده بنی هاشم حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) هست و در چنین شبی قلب امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) خوشحال شد.

زمانی که بشارت تولد حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) را به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و سلم) دادند، پیغمبر اکرم نام «زین اب» به معنای زینت پدر برای حضرت زینب کبری انتخاب کردند.

خدایا تو را قسم می‌دهیم به قلب مسرور نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله)، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) قلب مولایمان حضرت صاحب الزمان (ارواحنا له الفداه) را با فرجش مسرور بگردان.

خدایا قلب شیعیان و دوستداران و منتظران حضرت صاحب الزمان (ارواحنا له الفداه) را به آبروی حضرت محمد و آل محمد خوشحال بگردان.

خدایا به آبروی حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و دختر بزرگوارش حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما.

خدایا به حق حضرت محمد و آل محمد گرفتاری عزیزان ما در عراق و سوریه و بحرین و یمن و میانمار و عربستان سعودی و افغانستان و پاکستان و تاجیکستان و ترکیه و هر بلاد دیگری گرفتارند، رفع گرفتاری بفرما. خدایا حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً عزیزان ولایت یاور برآورده نما، دعاها را به اجابت برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

**مجری:**

استاد بسیار ممنون و سپاسگذارم. بینندگان عزیز و دوست داشتنی یک بار دیگر این ایام بر شما مبارک باشد. ان شاء الله همیشه دلتان شاد باشد.

همان طور که استاد فرمودند ان شاء الله دل شیعیان در بحرین و یمن و عراق و سوریه و هر بلاد دیگری هستند همیشه شاد باشد و لبریز از آرامش و امنیت باشد.

برایتان بهترین‌ها را آرزو می‌کنم. اگر حال خوشی به شما دست داد ما را از دعای خیرتان بی‌نصیب نگذارید.

التماس دعا، خدانگهدار